

در پی افشای رابطه نامشروع همسر مقتول صورت گرفت:

### رمز گشایی از جسد سوخته

#### در راهروی دادگاه خانواده

ماجرای پسر ی که بدون توجه به اختلاف طبقاتی از دواج کرد

### بابا اشتباه کردم!

**صدیقی**– چقدر همه چیز زود گذشت و با تلخی به پایان رسید. چه کسی باور می کرد روزی ما که عاشقانه و با وجود مخالفت های پدرم با هم ازدواج کرده بودیم به این وضعیت اسفناک و پایان راه برسیم که حتی لحظه ای نتوانیم یکدیگر را تحمل کنیم. پسر ی که حالا بعد از گذشت سال ها انکار به حرف های پدرش رسیده که ازدواج با شخصی که از نظر فرهنگی و اقتصادی تفاوت زیادی با هم دارند اشتباه محض است درباره ماجرای شکست زندگی اش می گوید: وقتی یاد روزی می افتم که چطور از همه دلخوشی هایم و از زندگی ام زدم تا همسرم بی غدغنه به تحصیل خود در دانشگاه و در مقطع بالاتر بپردازد قلبم می گیرد. وی ادامه می دهد: زمان دانشجویی وقتی باو سر یک کلاس می نشستیم تمام حواس و ذهنم روی او متمرکز می شد و از درس و کتاب غافل می شدم. بعد از چند سال تحصیل در دانشگاه و با توجه به شناختی که در این مدت از یکدیگر پیدا کرده بودیم من در خیال خام خودم فکر می کردم همین قدر شناخت برای ازدواج کافی است. بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی پا پیش گذاشتم تا هر چه زودتر با دختر مورد علاقه ام ازدواج کنم. اما از همان ابتدا پدرم مخالفت خودش را با این ازدواج به خاطر اختلاف طبقاتی فرهنگی و اجتماعی اعلام کرد. من که پایم را در یک کفش کرده بودم با حمایت مادرم به خواسته ام رسیدم و بالاخره با دختر رویا هایم ازدواج کردم. بعد از گذشت مدتی از دوران نامزدی مان زندگی مشترکمان را زیر یک سقف آغاز کردیم. هر چند اوایل زندگی در کنار همسر لذت بخشی و شیرین بود اما او رفته رفته با تحمیل خواسته های نامتقوّلش لحظه ها را بر من تلخ می کرد. من که با اراده خود تن به این ازدواج داده بودم سعی می کردم با این شرایط کنار بیایم و حتی از مهمترین خواسته ام که بچه دار شدن بود با توجه به مخالفت همسرم گذشتن تا زندگی ام را سر پا نگه دارم.

چندین سال با اختلاف نظر بین من و همسرم گذشت و در این مدت سعی می کردم کسی بویی از اختلاف مان نبرد. این ماجرا ادامه داشت تا این که همسرم از من خواست که با ادامه تحصیلی در مقطع بالاتر در دانشگاه موافقت کنم و من هم بدون چون و چرا خواسته اش را پذیرفتم. در مدت تحصیل همسرم، از خورد و خوراک و پوشاکم زدم تا هزینه سنگین تحصیل او را فراهم کنم. بالاخره بعد از گذشت چند سال از تحصیل مدرک خود را گرفت و مشغول به فعالیت شد. روز به روز در کارش پیشرفت می کرد و من هم از این اتفاق خوشحال بودم.

این ماجرا ادامه داشت تا این که روزی در کمال ناباوری همسرم به چشمانم زلز دو گفت دیگر حاضر نیستم با من زندگی کند و باید هر چه زودتر از یکدیگر جداشویم. الان هم در راهروی دادگاه منتظر نوبت رسیدگی به پرونده مان هستیم تا پرونده اختلاف طبقاتی مان را هر چه زودتر ببینیم و هر کدام اهری جداگانه را در پیش بگیریم.

## اجتماعی



**با صفحه اجتماعی** و مطالعه آن در روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه با مطالب متنوع و خواندنی آن درباره سلامتی، تغذیه، شیوه‌های تربیتی کودک، ارتباط با سالمندان آشنا شوید و از مشاوره‌های پزشکی و حقوقی آن بهره ببرید.

**رهن و اجاره سوله**
دو عدد سوله سه پوشیده ۲۵۰متری اداری-انباری-با امکانات کامل برق تک فاز و سه فاز
۰۹۲۱۶۰۵۷۵۴۷

۰۹۶۰۱۲۰۴۶

رئیس کل دادگستری خراسان شمالی از دستگیری زن و مردی که با همدستی یکدیگر مرد جوان را به قتل رسانده و جسد سوخته اش را در دره ای در شهرستان بجنورد رها کرده بودند خبرداد.
حجت الاسلام «قدرتی» گفت: چندی قبل با شکایت زن جوان که همسرش به یکباره ناپدید شده است موضوع در دستور پی گیری قرار گرفت. وی خاطرنشان کرد:

# آوار آوارگی بر سر پسر نوجوان

#### صدیقی

از رنگ رخسارش پیداست که غم بزرگی در سینه دارد. او درباره ماجرای زندگی خود در کنار خانواده معتادش می گوید: در یکی از روستاهای اطراف زندگی می کردیم و پدر و مادرم هر دو اعتیاد داشتند. البته مادرم زن دوم پدرم بود.

پدرم اهل یکی از شهرهای شمالی بود که بعد از طلاق زن اولش با مادرم ازدواج کرده بود. به گفته بستگان، پدرم اوایل زندگی اش وضعیت مالی خوبی داشت و بنا به دلایلی و به خاطر دوستان نابابش همه اموال خودش را از دست داد و گرفتار مواد افیونی شد.

وی ادامه می دهد: بعد از مدتی زندگی در روستا به خاطر این که کسی دیگر به ما اعتماد نداشت و کاری هم به پدرم نمی دادند مجبور شدیم به زادگاه پدرم که در یکی از شهرهای شمالی بود برویم و پدرم در یک ساختمان نیمه کاره به عنوان نگهبان مشغول به کار شد.

۱۲ سال بیشتر نداشتیم و دو خواهر دوقلوی ناتنی بزرگتر از خودم داشتم که هر دو سر زندگی خودشان بودند. به خاطر اعتیاد شدید پدر و مادرم به شیشه دیگر تحمل یکدیگر برای هر دو سخت شده بود و مادرم به اجبار از پدرم طلاق گرفت و به دنبال زندگی خودش رفت. نوجوان که بعد از ترک مادرش تنها تر از گذشته شده و هیچ آمیدی هم به پدرش ندارد به دنبال راهی برای خارج شدن از این بن بست می گردد تا این که خواهر بزرگتر ناتنی اش سرپرستی او را قبول می کند و او را تحت حمایت خود قرار می دهد.

پسر رنج دیده درباره ادامه ماجرای زندگی اش می گوید: بعد از این که پدرم من را نخواست تنها شدم و به خاطر همین پیش خواهرم رفتم.

شوهر خواهرم بعد از مدتی به شدت مریض و خانه نشین شد. من که کمی بزرگ شده بودم و او عهده کارهای بیرون بر می آمدم مسئولیت انجام کارهای بیرون را برعهده گرفتم.

وی دلیل قرار از خانه خواهرش را چنین روایت می کند:



چند ماهی کارهای بیرون و بانکی خواهرم را انجام می دادم تا این که روزی با توجه به در دست داشتن عابر بانک های خواهرم در یک لحظه وسوسه شدم و با سرعت تمام پول های داخل کارت ها فرار کردم و به یک شهر دیگر رفتم.

دو هفته ای در آن شهر سرگردان بودم و تمام پول را هم خرج کردم. وقتی دیدم که پولی در بساط ندارم و گرسنه و درمانده بودم مجبور شدم دوباره به خانه خواهرم برگردم. وقتی به خانه خواهرم برگشتم شوهر خواهرم من را از خانه بیرون کرد و من هم بعد از چند روز آوارگی در کوچه و خیابان به ناچار پیش پدرم که نگهبان ساختمان بود رفتم و چند روزی پیش او ماندم.

پسر نوجوان چرایی فرار از پیش پدرش و آمدن به شهر

پس از کشف جسد سوخته ای ماموران متوجه شدند متعلق به مردی است که چندی قبل خبر گم شدن او را اطلاع داده بودند. وی تصریح کرد: در پی اقدامات انجام گرفته و به دست آمدن مدارکی علیه همسر مقتول وی به جرمش اعتراف کرد. این مقام قضایی در استان اضافه کرد: این فرد پس از برقراری ارتباط نامشروع تصمیم به قتل همسرش

خودش را این گونه تعریف می کند: شوهر خواهرم به خاطر مرضی سختی که داشت و از طرفی دیگر به خاطر سرقت تمام پس انداز آنها حالش بد شد و بعد از مدتی فوت کرد و خواهرم علت فوت شوهرش را از چشم من می دید و به خاطر ترس از او از پیش پدرم به بجنورد، زادگاه خودم برگشتم.

وی ادامه می دهد: چند روزی که پیش پدرم بودم مدام گرسنه بودم و پولی هم برای سیر کردن شکم خودم نداشتم و پدرم نیز طبق معمول از صبح تا غروب پیش دوستان خودش مواد مصرف می کرد و من اصلا برایش اهمیتی نداشتم.

وقتی به زادگاه خودم برگشتم دوباره مدتی سرگردان و آواره کوچه ها شدم و با گدایی کردن از مردم، شکم خودم را سیر می کردم. به گفته یکی از آشنایان مادرم زمانی که از پدرم جدا شده بود مدتی در کمپ ترک اعتیاد بستری شده و اعتیادش را ترک کرده بود و بعد از ترک اعتیاد در یک نانواپی مشغول به کار شده بود.

او درباره چگونگی پیدا کردن مادرش بعد از چندین سال بی خبری از او با ذوق زدگی تعریف می کند: چند روزی در کوچه و خیابان ها آواره بودم تا این که روزی برای خرید نان به نانواپی رفتم که مادرم که در آنجا کار می کرد من را شناخت و در آغوش گرفت. وقتی ماجرای آوارگی و بیچارگی ام را برای مادرم تعریف کردم او قبول کرد که سرپرستی من را برعهده بگیرد.

بعد از مدتی مادرم موفق شد که سرپرستی من را از دادگاه بگیرد و من هم از این که بعد از سال ها آوارگی دوباره می توانم شب ها در آغوش مادرم پناه بگیرم خوشحال بودم اما بعد از گذشت مدتی دوباره همه ای آرزوهایم به سراب تبدیل شد و دوباره تنها تر از گذشته چشم انتظار مهر خانواده نشستم. مادر پسر آواره بعد از مدتی زمانی که کار قانونی را تمام می کند تا او را تحت حمایت خود قرار دهد ازدواج مجدد می کند و پسرش را با تمام آرزوهایش تنها می گذارد و پی سرنوش و خوشی خود می رود. حالا پسر بیچاره بعد از این اتفاق تحت حمایت یک نهاد حمایتی دولتی قرار می گیرد تا منتظر بماند و ببیند سرنوشش چه بوابی برایش دیده‌است.

می گیرد و پس از این که ۴۰ قرص آرام بخش به او می دهد وی را به حالت بیهوش در صندوق عقب خودرو مخفی می کند و جسد را با هیزم به آتش می کشد و به دره می اندازد. رئیس کل دادگستری خراسان شمالی ادامه داد: جسد برای کشف تحقیقات بیشتر به پزشکی قانونی منتقل می شود و دو متهم پرونده دستگیر و روانه زندان شده اند.

#### اخبار



### تلف شدن ۱۲۰ راس گوسفند در پی حمله گرگ

در پی حمله گرگ به گله گوسفندان در محل چرای دام در روستای بدرانلو ۱۲۰ رأس گوسفند تلف شدند.
دهیار روستای بدرانلو در این رابطه به خبرنگار ما گفت: شامگاه دو روز پیش زمانی که چوپانان روستا قصد بردن گوسفندان به سمت استراحتگاه را داشتند گرگ به گله گوسفندان زدو در پی آن ۲۰۰ رأس گوسفند این گله از وحشت به سمت دره سرازیر شدند و در آن سقوط کردند. «رمضانی» افزود: در پی این حادثه چوپانان هر چند موفق به نجات ۸۰ رأس گوسفند شدند اما ۱۲۰ گوسفند به ارزش ۷۰۰ میلیون ریال تلف شدند. وی خاطرنشان کرد: این گوسفندان متعلق به ۱۷ خانوار بودند. وی از بیمه نبودن این گوسفندان خبر داد و اظهار داشت: هر چند اهالی روستا از جمله خدوم طی سال های گذشته گوسفندانمان را بیمه می کردیم اما به علت بد قولی های بیمه در پرداخت خسارت اهالی دیگر به بیمه گزاران اعتماد ندارند. وی با اشاره به رها سازی ۲ قلاعه گرگ از طرف محیط زیست خواستار همکاری این اداره کل برای جبران خسارت دامداران این روستا شد.

مدیر کل پزشکی قانونی خبر داد:

### کالبد شکافی ۲۳۸ جسد طی یک سال

طی سال گذشته جسد ۲۳۸ متوفی در پزشکی قانونی خراسان شمالی کالبد شکافی شد.
مدیر کل پزشکی قانونی خراسان شمالی با بیان این مطلب گفت: بررسی آمار سال ۹۵ پزشکی قانونی استان نشان داد که ۴۹۹ متوفی در سال ۹۵ در مراکز پزشکی قانونی معاینه شدند و علت مرگ آنها تعیین شد که از این تعداد ۲۱۰ نفر بدون کالبدشکافی تعیین علت فوت شدند. وی خاطرنشان کرد: پزشکان و متخصصان مراکز پزشکی قانونی، در بخش مرگ‌های غیر طبیعی، علت مرگ دو نفر را سوختگی، هفت نفر را برق گرفتگی و ۱۳ نفر را مسمومیت با گاز منو اکسیدکربن تشخیص دادند و ۲۳۸ نفر از جان باختگان تصادفات استان نیز معاینه شدند. وی تصریح کرد: کمتر از دو درصد از عملکرد پزشکی قانونی استان معاینه اجساد و تعیین علت مرگ آنهاست . به گفته «سلحشور» با وجود کمبود نیروی تخصصی پزشک در مجموعه پزشکی قانونی استان در سال ۹۵ بارشد چهار درصدی نسبت به سال قبل، به ۲۶ هزار و ۹۳۵ مورد رسید.

### آگهی مزایده اموال غیرمقتول (اسناد رهنی)

#### آگهی مزایده اموال غیرمقتول (اسناد رهنی) کلاسه ۹۵۰۰۲۱

به موجب پرونده اجرائی کلاسه فوق له بانک ملی گرمه علیه مجتبی علی شاهی (وام گیرنده و وثیقه گذار) ششدانگ یک دستگاه کامیون کشنده ۴#۶-HOVO مدل ۱۳۸۹ رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۱۹۲ع۲۴ایران ۲۶ بنام آقای مجتبی علی شاهی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۴۵۱۰ کد ملی ۰۷۵۹۲۶۹۷۹۳ طبق سند رهنی شماره ۲۹۰۳۳-۶/۱۰/۱۶ دفترخانه ۲۲ گرمه در قبال مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۵۷۲ ریال به انضمام سایر هزینه های قانونی در رهن بانک ملی گرمه قرار گرفته و طبق نظر کارشناس رسمی به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۹۵۰ ریال ارزیابی شده و مشخصات اجمالی به شرح ذیل می باشد وضعیت تودوزی کابین راننده سالم، تایرهای اسب (کشنده) حدود ۵۰ درصد سالم، تایرهای تربلی ۲۰ درصد سالم، وضعیت ظاهری کابین راننده متناسب با مدل کامیون سالم و وضعیت اتاق بار تربلی دارای زنگ زدگی و فرسودگی شدید و آثار شکستگی و جوشکاری متعدد در قسمت زیرین و محل نصب اتاق به شاسی مشاهده می شود، وضعیت کلی کامیون فعال و آماده به کار می باشد، پلاک فوق از ساعت ۱۹ الی ۱۲ روز شنبه ۲۳/۲/۹۶ در اداره ثبت اسناد و املاک جاجرم واقع در جاجرم - خیابان شهید باهنر - نشن باهنر ۱۰ از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبلغ ۰۰۰۰/۰۰۰/۹۵۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته می شود. لازم به ذکر است کلیه هزینه های قانونی به عهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول خواهد شد و نیز در صورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و ضمناً چنان چه روز مزایده تعطیل رسمی گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.

#### مسئول واحد اجرای اسناد رسمی جاجرم - اردلان محمدی کوشکی

۰۹۶۰۱۵۸۲۲/

#### آگهی مزایده اتومبیل

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۰۴۳۹-۹۵۰۰ له: خانم بهناز بهاری و علیه: آقای عباسعلی ایزانلو یک دستگاه اتومبیل سواری پراید صبا فول به شماره انتظامی ۲۶ ایران ۶۳۶ص۱۱ به شماره موتور ۳۳۹۸۹۲۲ و شماره شاسی ۰۱۴۱۲۲۸۹۴۳۹۰ به رنگ نقره ای مدل ۱۳۸۹ می باشد که سواری پراید از قسمت های سپر جلو، سپر عقب، گلگیر سمت چپ جلو، درب موتور، گلگیر سمت چپ عقب و شاسی سمت چپ جلو خسارت دیده و لاستیک های جلو حدوداً ۵۰٪ و لاستیک سمت چپ عقب ۶۰٪ و لاستیک سمت راست عقب ۴۰٪ عاج دارد و متعلق به آقای عباسعلی ایزانلو فرزند علی اکبر که طبق نظر کارشناس رسمی به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۹۸ ریال ارزیابی شده، از ساعت ۹ الی ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۶/۰۲/۱۳۹۶ در اداره ثبت اسناد و املاک شیروان واقع در شیروان خیابان امام رضا جنب بیمارستان امام خمینی(ره) اداره ثبت اسناد و املاک شیروان از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۹۸ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته می شود و کلیه هزینه های قانونی به عهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول خواهد شد. ضمناً چنان چه روز مزایده تعطیل رسمی اعلام گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.

### صمد ابراهیم زاده – رئیس ثبت اسناد و املاک شیروان

۰۹۶۰۱۵۲۷۸/

۰۹۶۰۱۵۵۲۳/

### اکبر اقبالی – رئیس ثبت اسناد و املاک اسفراین

#### آگهی ابلاغ اختاریه ارزیابی اتومبیل شعبه اجرای ثبت اسناد و املاک اسفراین

بدین وسیله به ورثه مرحوم محمد مهدی پورنوروز که عبارتند از: پریا پورنوروز نام پدر: محمد مهدی شماره شناسه ملی: ۰۶۳۰۵۱۹۰۹۹ و محمد پورنوروز نام پدر: محمد مهدی و مریم پورنوروز نام پدر: محمد مهدی شماره شناسنامه: ۵ و مهرداد پورنوروز نام پدر: محمد مهدی شماره شناسه ملی: ۰۶۳۰۱۳۳۶۲۱ و معصومه دستجردی نام پدر: عباسعلی شماره شناسنامه: ۷۸۲ و فاطمه تقوی راد نام پدر: حسین شماره شناسه ملی: ۰۶۳۰۵۸۹۷۷۱ و پرستو پورنوروز نام پدر: محمد مهدی شماره شناسه ملی: ۰۶۳۰۷۱۹۳۷۳ و مریم پورنوروز فرزند محمد مهدی ابلاغ می شود که به موجب گزارش مورخ ۰۰۳۱۵۱۰۰۰۷۱۵۱۰۰۰۷۱۳۹۵-۰۱/۲۳/۱۳۹۶ کارشناس رسمی دادگستری یک دستگاه خودروی سواری تیبیا به شماره انتظامی ۲۱ط۲۹ایران ۲۶ ملکی محمد مهدی پورنوروز به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۱۵۹ ریال ارزیابی گردیده، لذا چنان چه به مبلغ ارزیابی پلاک مذکور معترض می باشید، اعتراض کتبی خود را ظرف مدت پنج روز از تاریخ ابلاغ این اختاریه به ضمیمه فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدیدنظر به مبلغ ۰۰۰/۵۰۰/۱ ریال به دفتر این اجرا تسلیم نمایید. ضمناً به اعتراضی که خارج از موعد یا فاقد فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدیدنظر باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۰۹۶۰۱۵۵۲۳/